

# تحول امنیت محیط‌زیست در حقوق بین‌الملل پس از جنگ سرد

سید عبدالعلی قوام<sup>۱</sup>

سیده معصومه مصطفوی<sup>۲</sup>

## چکیده

امروزه محیط‌زیست به‌عنوان بستر بالندگی بشر، از مهم‌ترین دغدغه‌های جامعه بین‌المللی است و به تدریج در مسائل امنیتی ارزش فزاینده یافته است. حقوق بین‌الملل محیط‌زیست یکی از شاخه‌های نوظهور در نظام حقوق بین‌الملل است که بر پایه حقوق نرم بنا شده است؛ یعنی حقوقی که بر بیانیه‌ها، اعلامیه‌ها، اصول اجرایی و غیره مبتنی گردیده و ضمانت اجرای حقوقی محکمی ندارد. در این مقاله به بررسی تعهدات کشورهای متعاقد و همچنین نظام چندجانبه دسترسی و تسهیم منافع و ارزیابی مطروحه در آن در پرتو تحولات نظام حقوقی بین‌المللی کشاورزی و محیط‌زیست پرداخته شده است. در این راستا، مهم‌ترین قراردادهای و نشست‌های مجامع بین‌المللی در ارتباط با امنیت محیط‌زیست پس از جنگ سرد از جمله کنوانسیون تنوع زیستی (ریو ۱۹۹۲)، پروتکل ایمنی زیستی (نایروبی ۲۰۰۰)، کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب‌وهوا (نیویورک ۱۹۹۲) و کنوانسیون استکهلم در خصوص آلاینده‌های آلی و پایدار (استکهلم ۲۰۰۱) مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. نتایج حاصله نشان می‌دهد که باوجود توسعه چشمگیر حقوق بین‌الملل در زمینه حمایت و حفاظت از محیط‌زیست در دهه‌های اخیر، هنوز هم جبران خسارات محیط‌زیست از خلأهای عمده پیش روی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است.

**واژه‌های کلیدی:** امنیت محیط‌زیست، حقوق بین‌الملل، مسئولیت بین‌المللی، مجامع بین‌المللی

---

— استاد گروه روابط بین‌الملل، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهیدبهشتی

a-ghavam@sbu.ac.ir

— کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران  
sweet.masoomeh@yahoo.com

فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال دوم، شماره هشتم، پاییز ۱۳۹۸، صص ۱۹۱-۱۶۱

## مقدمه

در نگرش جدید به مفهوم امنیت و ظهور و بروز دکترین امنیت انسانی، مؤلفه‌هایی وجود دارد که در چارچوب میثاق‌نامه بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تبیین شده‌اند و از آنها به‌عنوان اصول حقوق عمومی نام برده می‌شود. از جمله این مؤلفه‌ها، امنیت محیط‌زیست است. اهمیت این مسئله از آنجایی است که در فرایند جهانی‌شدن و در پرتو مؤلفه‌های هنجاری متأثر از اصول بنیادین حقوق بشر، گفتمان جدیدی به نام امنیت انسانی با هفت رویکرد امنیت شخصی، بهداشتی، غذایی، زیست‌محیطی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شکل گرفت. در حالی که پس از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه در دوران جنگ سرد، مهم‌ترین دغدغه کشورها امنیت در برابر تهدیدات خارجی و سلاح‌های کشتار جمعی بوده و امنیت ملی بیشتر در حوزه نظامی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته است.

مفهوم امنیت همواره در حال تحول بوده و سطوح مختلف امنیت به هم پیوند خورده است. بنابراین امروزه تهدیدات صرفاً در حوزه نظامی یا سیاسی نیست و همه عرصه‌ها را دربر می‌گیرد. باری بوزان از اندیشمندان مکتب کپنهاک در کتاب مشهور خود «مردم، دولت‌ها و هراس» پنج مؤلفه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی را برای امنیت ملی در نظر گرفته که مبنای بسیاری از مطالعات در حوزه امنیت ملی قرار گرفته است (تهامی، ۱۳۸۴: ۸۳). امنیت زیست‌محیطی ناظر بر حفظ محیط محلی جهانی به‌عنوان سیستم پشتیبانی ضروری است که تمامی حیات بشری بدان متکی است. امنیت زیست‌محیطی بیانگر یک چرخش قابل ملاحظه از این رویکرد به امنیت ملی است که دو مسئله مجزا را بیان

می‌کند؛ عوامل محیط زیستی احتمالی که در پشت برخوردهای خشونت‌آمیز قرار دارند و نیز تأثیر تخریب محیط‌زیست جهانی بر سلامت جوامع و اقتصادها. پس از جنگ سرد، امنیت به تدریج ابعاد محیط‌زیست را دربر گرفت و به کیفیت زندگی افراد داخل کشورها توجه بیشتری نشان داد. از میانه دهه ۱۹۹۰ به بعد، امنیت شاهد یک تحول مفهومی از امنیت دولت‌محور (منازعه بین‌دولتی) به ناامنی بشری (نزاع مدنی) بود. بر این اساس مرزهای یک دولت ممکن است امن باشد، اما شهروندان آن از اثرات تخریبی محیط زیستی ایمن نیستند و در نتیجه حاصل ناامنی بشری می‌تواند به بی‌ثباتی در سطح دولتی منجر شود. رابطه میان امنیت و محیط‌زیست در هزاره جدید بیشتر نیز شده است.

با توجه به مقدمات بالا، مقاله حاضر در پی بررسی و پاسخ به این پرسش است که امنیت محیط‌زیست در دوران پس از جنگ سرد از منظر حقوق بین‌الملل، چه تحولاتی را از سر گذرانده است؟

### ۱. حقوق بین‌الملل و امنیت محیط‌زیست

امروزه محیط‌زیست و صدمات وارده بر آن از مهم‌ترین دغدغه‌های جامعه بین‌المللی است و حقوق‌دانان بین‌المللی به دنبال دستیابی به راهکارهای ثمربخش برای کاهش خسارات وارد بر آن هستند. در این خصوص، مسئولیت بین‌المللی یکی از مهم‌ترین ابزارهاست؛ هرچند که این مقوله از صبغه تاریخی قابل‌توجهی به‌خصوص در موضوع حقوق بین‌الملل محیط‌زیست برخوردار نبوده و بیشتر جنبه عرفی دارد. توجه به امور محیط‌زیست از دهه ۱۹۶۰ به صورت جنبشی با پشتوانه افکار عمومی ظهور کرد. همچنین توجه فزاینده افکار عمومی به یافته‌های علمی درخصوص آثار آلودگی و تخریب محیط‌زیست، انگیزه‌ای مناسب در جهت همکاری‌های بین‌المللی شد. از سوی دیگر، وقایع و حوادث محیط زیستی که در طی سال‌های گذشته رخ داده بود، به‌مثابه هشدار مبنی بر این بود که حفظ محیط‌زیست یک مسئولیت بین‌المللی است. به‌عنوان مثال در سال ۱۹۸۴ نشت گاز سمی متیل ایزوسایانیست از یک کارخانه در هند موجب مرگ حدود دوهزار نفر و آسیب به دویست‌هزار نفر شد. در سال ۱۹۸۶ وقوع انفجار راکتور هسته‌ای

چرنوبیل در اکراین، نخستین واقعه مرگ‌ومیر ناشی از رادیواکتیو از یک نیروگاه هسته‌ای بود که بخش وسیعی از کره زمین را دربر گرفت و حتی به ایالات متحده نیز رسید. چنین حوادثی هشدار می‌دهد مبنی بر اینکه کشورها نمی‌توانند مرزهای خود را ببندند تا از اثرات فاجعه‌ها و رخداد‌های محیط زیستی در امان باشند (پورهاشمی و موسوی، ۱۳۹۰: ۷۷). از طرفی آمارها نشان می‌دهد آسیب‌های زیست‌محیطی و چالش بر سر منابعی همچون آب، زمین و غیره می‌تواند ترکیب پیچیده‌ای از عوامل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی باشند که در نهایت به خشونت منجر شوند. چالش‌های تأسیسی، ساختار و نوع اقتدار سیاسی و همین‌طور سازوکارهای جهانی در بازی و بستر تاریخی به همان میزان اهمیت دارند که امکان دسترسی واقعی به آب یا زمین در شرح و حل منازعه مهم است (Krummenacher, 2008: 44).

اگرچه به‌طور کلی می‌توان در حقوق بین‌الملل عمومی جنبه‌هایی از حفاظت محیط‌زیست یافت، اما ظهور حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به‌عنوان شاخه‌ای از این رشته نسبتاً جدید است. جرقه‌های نخست این شاخه حقوقی در کنفرانس ۱۹۷۲ استکهلم و با پذیرش بیانیه این کنفرانس زده شد. حقوق بین‌الملل محیط‌زیست بر پایه حقوق نرم بنا شده است؛ حقوقی که بر بیانیه‌ها، اعلامیه‌ها، اصول اجرایی و غیره مبتنی است و ضمانت اجرای حقوقی محکمی ندارد. هرچند به تدریج حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به سمت حقوق سخت پیش رفته تا جایی که در حال حاضر می‌توان بخشی از آن را در مجموعه‌های حقوقی بین‌المللی یافت (پورهاشمی، ۱۳۸۴: ۱۵).

فنون و روش‌های حقوقی به‌کاررفته در حقوق محیط‌زیست نیز یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد حقوق بین‌الملل است. از یک طرف حقوق بین‌الملل محیط‌زیست بر اساس اصول کلی حقوقی که در بیانیه‌ها و اعلامیه‌ها مورد پذیرش قرار گرفته است، بنا شده و از طرف دیگر با بهره‌گیری از فنون حقوقی «کنوانسیون- پروتکل» به‌طور جزئی، دقیق و مشخص نسبت به حفاظت محیط زیستی منطقه یا بخشی خاص تنظیم می‌شود. فنون و روش‌های حقوقی

«کنوانسیون- پروتکل»، تکنیکی است که مختص یک بخش یا منطقه ویژه‌ای است و کمتر قابل انتقال به دیگر مناطق است (پورهاشمی، ۱۳۸۴: ۱۶).

باید توجه داشت که اندیشه «امنیت محیط‌زیست» منافع متفاوت دولتی و فردی را غیرشفاف می‌سازد و عمدتاً تفاوت طبیعت معرفت‌شناسی منافع فردی و دولتی را نادیده می‌گیرد و تخریب محیط‌زیست را در چارچوب مفهوم دفاع علیه تهدیدات محیط‌زیست مورد بحث قرار می‌دهد (علیزاده و پیشگاهی‌فر، ۱۳۹۰: ۱۱۳). امنیت محیط‌زیست، مفهوم اختلاف‌برانگیزی است که معمولاً به یکی از حوزه‌های زیر مربوط می‌شوند:

- ۱) محیط‌زیست به‌عنوان یک دلیل یا هدف‌گیری؛
- ۲) استفاده از محیط‌زیست به‌عنوان ابزار جنگ؛
- ۳) تخریب محیط‌زیست در اثر عملیات نظامی؛
- ۴) تأثیر غیرمستقیم تخریب محیط‌زیست بر امنیت از طریق موضوعات جنگ و توسعه؛

۵) تخریب و حمایت از محیط‌زیست، متمایز از آثار سیاسی و امنیتی یا هر پیامد انسان‌شناختی دیگر. این حوزه را می‌توان مترادف با حمایت و حفظ محیط‌زیست تلقی کرد (هورسمن، ۱۳۸۰: ۸۴).

محیط‌زیست، بستر بالندگی بشر است و در این راستا نظریه‌پردازان جدید امنیت بر موضوعات فراگیر و تهدیدهای محیط‌زیستی مانند گرم‌شدن کره زمین، فرسایش لایه اوزون، تغییرات اقلیمی و غیره مسائل محیط‌زیستی به‌مثابه تهدیدهای آینده بشریت تأکید ویژه‌ای دارند. این امر بر رویکرد نظریه‌پردازان امنیت بین‌الملل و همچنین جنبش‌های اجتماعی تأثیر گذاشته؛ به‌طوری‌که امنیت محیط‌زیست، ماهیت فراگیر و عام پیدا کرده است (ذوقی بارانی و عین‌شاهی میرزا، ۱۳۹۴: ۲۰۱). با توجه به مباحث ذکرشده تلاش پژوهشگران برای تعریف امنیت محیط‌زیست تمام اجزای ضروری مفهوم را دربر نمی‌گیرد. علاوه‌بر این در کشورهای درحال توسعه مفهوم امنیت محیط‌زیست به‌عنوان یک برنامه اجماع منافع کشورهای توسعه‌یافته در نظر گرفته می‌شود و از این‌رو، کشورهای

در حال توسعه امنیت محیط‌زیست را جدی نمی‌گیرند. با توجه به این واقعیت که تعریف جامع امنیت محیط‌زیست پیشرفتی نداشته است، مفهوم امنیت محیط‌زیست ترکیبی از اجزای اصلی امنیت محیط‌زیست و اصلی‌ترین تهدیدات محیط‌زیست در نظر گرفته می‌شوند (Skarlato & Telesh, 2008: 173).

با توجه به ویژگی‌های حقوق نرم و مسئولیت نرم، «بازیگران نرم» نیز در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در حال شکل‌گیری و گسترش است. دولت با اینکه همواره به‌عنوان بازیگر مهم نقش خود را در شکل‌گیری و اجرای حقوق بین‌الملل محیط‌زیست حفظ نموده است، دیگر تنها بازیگر حوزه بین‌الملل به‌شمار نمی‌آید و سازمان‌های غیردولتی توانسته‌اند در شکل‌گیری، تدوین، اجرا و نظارت بر حقوق محیط‌زیست مؤثر باشند. اگرچه سازمان‌های غیردولتی در سایر شاخه‌های حقوق بین‌الملل همچون حقوق بین‌الملل اقتصادی، حقوق کیفری بین‌المللی و غیره، نیز نقش‌آفرین بوده‌اند، ولی نقش و جایگاه این سازمان‌ها در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست برجسته و مهم به‌شمار می‌آید. ابزار مهم سازمان‌های غیردولتی، «افکار عمومی جهانی» است که امروزه به‌عنوان یکی از پدیده‌های نوین حوزه ارتباطات به‌شمار می‌آید (پورهاشمی، ۱۳۸۴: ۱۷). پس از رجوع کشورها به راه‌حل‌های غیرسیاسی مسالمت‌آمیز برای حل اختلافات، اصول مهمی در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست پدیدار شد. این اصول نقشی چندسویه در روابط کشورها دارد؛ نخست اینکه سبب جلوگیری از حوادث دردآور بین‌المللی می‌شود؛ دوم به روابط کشورها نظم و قانون‌مندی می‌بخشد؛ سوم اینکه نقشی توسعه‌ای در ترویج و شناسایی اصول راهگشا و ضروری محیط‌زیست در عرصه بین‌المللی دارد (موسوی و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۲).

توسعه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در دهه اخیر بیش از هر چیز مبتنی بر نیازها و ضرورت‌های محیط‌زیست بشر بوده است. رشد اقتصادی و پیشرفت‌های فزاینده فناوری در دوره معاصر سبب خسارت‌های اساسی به محیط‌زیست شده است. در پاسخ به این نیازها و ضرورت‌ها، حقوق بین‌الملل تلاش کرده است تا با تدوین قوانین و مقررات بین‌المللی، دولت‌ها را به حفاظت از محیط‌زیست پایبند

کند. در همین راستا می‌توان «بین‌المللی کردن حفاظت محیط‌زیست» را به‌عنوان یک رهیافت نوین در حقوق بین‌الملل معاصر به شمار آورد. این رهیافت با تکیه بر دو پایه سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی از یک‌طرف و قواعد و مقررات بین‌المللی از طرف دیگر تلاش می‌کند تا مسئله حفظ محیط‌زیست را به‌عنوان یک ارزش مشترک بشریت مورد شناسایی قرار دهد (پورهاشمی، ۱۳۸۴: ۱۷).

در دهه ۱۹۹۰ چندین برنامه تحقیقاتی گسترده در مورد ارتباط فرضی میان تخریب محیط‌زیست، کمبود منابع و درگیری‌های خشونت‌آمیز انجام گرفت که در اصطلاح امنیت محیط‌زیست نامیده شد. امنیت محیط‌زیست بیانگر یک چرخش قابل‌ملاحظه از این رویکرد به امنیت ملی است که دو مسئله مجزا را بیان می‌کند؛ نخست عوامل محیط‌زیست احتمالی که در پشت سر برخوردهای خشونت‌آمیز قرار دارند و دوم تأثیر تخریب محیط‌زیست جهانی بر سلامت جوامع و اقتصادها. به‌رحال طرفداران امنیت محیط‌زیست بر این نکته تأکید دارند که تخریب محیط‌زیست در نتیجه نیروهای اقتصادی و اجتماعی غیرشخصی بوده و راه‌حل‌های مشارکتی را می‌طلبد. برخی از صاحب‌نظران، تهدیدات محیط‌زیست را در چارچوب امنیت ملی در نظر می‌گیرند؛ اگرچه بر عدم کفایت پاسخ‌های دولت ملی سنتی به چالش‌های محیط‌زیست تأکید می‌ورزند. برخی دیگر معتقدند که امنیت محیط‌زیست ذاتاً به لحاظ ویژگی خاص آن، بیشتر یک پدیده جهانی است تا ملی؛ چراکه تهدیدات محیط‌زیست همه انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، پس همکاری جمعی در مقیاس جهانی را می‌طلبد (علیزاده و پیشگاهی‌فر، ۱۳۹۰: ۱۱۶). گلدیچ نگرانی‌های تاریخی مربوط به ارتباط میان تخریب محیط‌زیست و کمبود منابع، انرژی و مواد غذایی را به‌صورت خلاصه بیان کرده است. در نظریه‌های سنتی واقع‌گرایی، قدرت به منابع طبیعی دولت و فضای سرزمینی آن بستگی دارد. قدرت ملی همچنین به توانمندی آن برای دستیابی به منابع کلیدی که در آن دولت وجود ندارد، بستگی دارد (Swatuk, 2004: 7).

پیشرفت سریع فناوری، افزایش استقلال اقتصادی، جهانی‌سازی و تغییرات ژئوپلیتیکی مفاهیمی همچون توسعه، امنیت و حقوق بشر را تقویت کرده است و

میان آنها ارتباط برقرار کرده است. این درک از امنیت، متفاوت از دوران جنگ سرد است که مفهوم امنیت با جنگ و قدرت سخت همراه بود. امروزه امنیت با کیفیت زندگی افراد ارتباط می‌یابد که محیط‌زیست بر آن کیفیت تأثیر می‌گذارد. در این راستا روندهای بین‌المللی شاهد تغییر مسیر به سمت مشارکت بیشتر و تصمیم‌گیری‌های جامعه مدنی، جوامع محلی و بخش خصوصی است (Leggett & Carter, 2012: 2).

به‌طور کلی، مفهوم امنیت محیط‌زیست تا اندازه‌ای مبهم است که علت آن نیز به دو مفهوم تشکیل‌دهنده آن؛ یعنی امنیت و محیط زیست بازمی‌گردد. محیط‌زیست در معنای اساسی خود می‌تواند محیط خارجی تعبیر شود که یک موجودیت را احاطه کرده است، اما این مفهوم بسیار گسترده است. رویکردهای عملی‌تر به مفهوم محیط‌زیست نگرشی فیزیکی و بیولوژیکی دارد و از سیستم‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی متمایز است. همان‌گونه که لوی هم اشاره می‌کند، باید برای به‌کار بردن کلمه محیطی که به امنیت مرتبط است، محتاط باشیم. وی معتقد است کارهای اولیه در مورد محیط‌زیست و امنیت، تمام منابع طبیعی را منابع محیط‌زیست در نظر می‌گیرند. از طرفی درک و تعریف از مفهوم امنیت نیز با ابهاماتی مواجه است. در مطالعات امنیتی، امنیت به‌وضوح در قالب اصطلاحات نظامی تعریف شده است (Tabackova, 2013: 10). در ارتباط با مفهوم امنیت محیط زیست نیز باید گفت که رویکردهای سنتی به امنیت، اغلب امنیت ملی و امنیت محیط‌زیست را زیر عنوان کلی «تهدید» قرار می‌دهند. این در حالی است که اساساً تهدیدات امنیتی نظامی و مشکلات محیط زیستی متفاوت هستند. هرچند هر دو آنها می‌توانند عامل مرگ مردم باشند، اما گروه‌بندی چنین پدیده‌هایی مانند بیماری و بلایای طبیعی تحت عنوان تهدید به لحاظ مفهومی مبهم است. برونیکس معتقد است وحدت نظری کمی در ارتباط با مفهوم امنیت محیط‌زیست وجود دارد؛ چراکه اساساً یک تعریف جامع که مورد پذیرش همگان باشد موجود نیست (Dabelko, 1995: 7).



## ۲. زمینه‌های بازتعریف مفهوم امنیت محیط‌زیست در دوره جدید

از اوایل دهه ۱۹۸۰ توجهات به سمت جنبه‌های غیرنظامی امنیت کشیده شد و این مفهوم به تدریج ابعاد محیط‌زیست امنیت از جمله کیفیت زندگی را دربر گرفت. با فروپاشی شوروی و ظهور نظام نوین ژئوپلیتیک، مباحث و حوزه‌های نوینی از امنیت به‌طور چشمگیری توسعه یافت. در این میان، نفی نظامی‌گری بخشی از دستورکار امنیت جهانی شد و طیف گسترده‌ای از تهدیدات علیه صلح به‌ویژه تهدیدات محیط زیستی، بهره‌کشی از طبیعت و آلودگی منابع زیستی طرح شدند (کاوایانی‌راد، ۱۳۹۰: ۸۷). میانه دهه ۱۹۹۰ شاهد یک تحول مفهومی از امنیت دولت‌محور به ناامنی بشری بود. امروزه مرزهای یک دولت ممکن است ایمن باشد، اما شهروندان آن از اثرات تخریبی محیط زیستی ایمن نیستند و در نتیجه حاصل ناامنی بشری می‌تواند به بی‌ثباتی در سطح دولتی منجر شود. بنابراین ارتباط میان امنیت و محیط‌زیست در هزاره جدید بیشتر نیز شده است. یک بررسی جامع از امنیت محیط‌زیست نشان می‌دهد که:

- محیط‌زیست مهم‌ترین مسئله فراملی است و امنیت آن یک بعد مهم صلح، امنیت ملی و حقوق بشر است که تاکنون درک شده است.
- طی سده آینده، یک‌سوم از پوشش اراضی جهانی در مواجهه با انتخاب‌های سخت جهانی از مصرف، خدمات اکوسیستم، ترمیم، حفاظت و مدیریت تبدیل خواهند شد؛
- امنیت محیط‌زیست با ترکیبی از پویایی‌ها و روابط متقابل میان منابع ملی، بافت اجتماعی دولت و موتور اقتصادی برای ثبات منطقه‌ای و محلی، در مرکز امنیت ملی قرار دارد؛

- باوجود نقش دقیق محیط‌زیست در صلح، منازعه و ناامنی بشری، اما ممکن است این نقش از موقعیتی به موقعیت دیگر متفاوت باشد (Ghosh & Khan, 2012: 39).

طرح مفهوم امنیت محیط‌زیست در قالب امنیت انسانی و ملی در میان کنشگران و بازیگران سیاسی، ناظر به اهمیت جهانی محیط‌زیست در مناسبات

قدرت، توسعه و امنیت واحدهای سیاسی است. بر همین اساس عناصر بنیادین امنیت محیط‌زیست شامل بهسازی کمبود منابع طبیعی، حفظ سلامت محیط‌زیست، بهسازی فرسایش محیط طبیعی، پیشگیری از نابسامانی اجتماعی و کشمکش و افزایش ثبات اجتماعی است (کاوایانی‌راد، ۱۳۹۰: ۹۰).

نظریه منازعه محیطی بر نقش محیط‌زیست به‌عنوان یک متغیر مستقل در منازعات خشونت‌بار تمرکز می‌کند. این نظریه بیشتر به منازعات فرادولتی می‌پردازد تا منازعات درون‌دولتی. هسته بحث طرفداران نظریه منازعه محیطی این است که تغییرات اقلیمی، کمبود منابع طبیعی را افزایش می‌دهد و جوامع قادر به انطباق با این چالش نیستند. جوامع با درآمد کم و وابسته به منابع طبیعی که عموماً دارای ساختار سیاسی ضعیفی هستند، با تغییرات اقلیمی دچار بحران می‌شوند و به خشونت روی می‌آورند. در این راستا طرفداران نظریه منازعه محیطی بر سه تأثیر مستقیم تغییرات محیطی تأکید می‌کنند؛ نخستین تأثیر، بی‌ثباتی سیاسی است. کمبود منابع بر اقتصاد و کاهش درآمد ملی تأثیر می‌گذارد و مشروعیت دولت را تضعیف می‌کند. دومین تأثیر، ناامنی غذایی و ریاضت اقتصادی است. جوامع کشاورزی نسبت به جوامع وابسته به خدمات بیشتر در معرض این خطر قرار دارند. سومین تأثیر که مدافعان نظریه منازعه از آن به اثرات مضاعف تعبیر می‌کنند، تغییر و جابه‌جایی عظیم جمعیت است که می‌تواند منجر به یک مسابقه برای منابع نایاب شده و تنش را تحریک کند (Le Gloanec et al, 2013: 14).

منازعه محیط‌زیست یک مسئله چندبخشی است که اغلب برای پیشگیری از تنش و رسیدگی به نگرانی‌های محیطی، ابتکارات سیاست خارجی و سیاست امنیتی را می‌طلبد. بر این اساس به‌کارگیری مسائل محیط‌زیست در گفتگو و همکاری ارزشمند هستند و می‌توانند برای ثبات منطقه در جهت اقدامات اعتمادساز به‌کار گرفته شوند (Lietzmann & Vest, 1999: 47). باوجود تلاش‌های فزاینده جهانی، هنوز هم توافق اندکی در مورد اقدامات مؤثر در مواردی همچون کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای وجود دارد. به‌کارگیری یک چارچوب معتبر و مؤثر برای همکاری در تغییرات اقلیمی در ابتدا باید به معنای ایجاد یک تأثیر

فوری از طریق انرژی و امنیت محیط‌زیست در یک سیاست منسجم باشد (Mckibbin & Wilcoxon, 2007: 1). یک دسته‌بندی کلی غیرقابل‌اجتناب است، اما درعین حال نیاز دارد تا به شاخه‌های کوچک‌تری تقسیم شود.

### ۳. اسناد، معاهدات و نشست‌های مجامع بین‌المللی در ارتباط با امنیت محیط‌زیست پس از جنگ سرد (بعد از ۱۹۹۱)

یکی از مهم‌ترین ابزارهایی که به منظور حفاظت از محیط‌زیست مورد استفاده قرار گرفته، معاهدات چندجانبه بین‌المللی است. جامعه جهانی از سال ۱۹۷۲؛ یعنی پس از کنفرانس استکهلم، بر این گونه معاهدات تأکید فراوان داشته، به نحوی که تاکنون بیش از ۱۸۰ موافقت‌نامه محیط‌زیستی تدوین شده است (پارسا، ۱۳۷۸: ۱۲۲). با توجه به اینکه موضوع مقاله حاضر بررسی این معاهدات در دوران پس از جنگ سرد است، در ادامه به برخی از مهم‌ترین معاهدات بین‌المللی اشاره می‌شود.

#### ۳-۱. کنوانسیون تنوع زیستی (ریو ۱۹۹۲)<sup>۱</sup>

در سال ۱۹۹۲ در اجلاس زمین در ریودوژانیرو، رهبران جهان درخصوص یک راهبرد جامع برای توسعه پایدار با این ویژگی که «قادر به برآوردن نیازهای ما باشد و درعین حال تضمین کند که یک جهان سالم و زیست‌پذیر برای نسل‌های آینده به‌جای خواهد ماند»، به توافق رسیدند. این معاهده که توسط اکثریت قریب به‌اتفاق دولت‌های جهان (۱۹۳ کشور) پذیرفته شده است، سه هدف اصلی حفظ تنوع زیستی، استفاده پایدار از اجزای آن و تسهیم عادلانه و منصفانه منافع حاصل از استفاده از ذخایر ژنتیکی را دنبال می‌کند.

کنوانسیون تنوع زیستی در دهمین کنفرانس اعضا که در سال ۲۰۱۰ در آیچی پرفکچر در ناگویای ژاپن برگزار شد که پنج هدف کلی راهبردی را برای سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ در نظر گرفت و آن را «اهداف تنوع زیستی آیچی» نام نهاد. اهداف پنج‌گانه استراتژیک ۲۰۲۰-۲۰۱۱ عبارتند از:

---

1. The Convention on Biological Diversity (RIO 1992)

- ۱) پرداختن به علل از دست رفتن تنوع زیستی؛
- ۲) کاهش فشارهای مستقیم وارد بر تنوع زیستی و ترویج بهره‌برداری پایدار؛
- ۳) بهبود وضعیت تنوع زیستی از طریق حفاظت از اکوسیستم‌ها، گونه‌ها و تنوع ژنتیکی؛
- ۴) افزایش منافع همگانی از تنوع زیستی و خدمات اکوسیستمی؛
- ۵) پیشبرد اجرا از طریق برنامه‌ریزی مشارکتی، مدیریت دانش و ظرفیت‌سازی (مشهدی، ۱۳۸۸: ۱۰۶-۱۰۹).

۲-۳. کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب‌وهوا (نیویورک ۱۹۹۲)<sup>۱</sup>  
مجمع عمومی سازمان ملل متحد یک کمیته مذاکره‌کننده بین‌دولتی برای تدوین کنوانسیونی در مورد بررسی تغییرات آب‌وهوا در اجلاس ۱۹۹۰ خود تشکیل داد. این کنوانسیون در ژوئن ۱۹۹۲ در کنفرانس سازمان ملل در خصوص محیط‌زیست و توسعه در برزیل به امضای ۱۵۵ کشور جهان رسید. کنفرانس مذکور به‌عنوان اجلاس زمین یا اجلاس ریو شناخته شد (امامی میدی، ۱۳۸۱: ۵۹).  
این کنوانسیون باهدف تثبیت مقدار گازهای گلخانه‌ای در حدی که از تغییرات آب‌وهوایی که باعث مختل‌شدن چرخه‌های طبیعی می‌شود جلوگیری کند، تشکیل شد. هدف نهایی این کنوانسیون و هرگونه اسناد حقوقی مربوطه که ممکن است توسط کنفرانس اعضاء مورد تصویب قرار گیرد، دستیابی به ثبات در تراکم گاز گلخانه‌ای در اتمسفر مطابق مفاد مربوطه کنوانسیون در سطحی است که از تداخل خطرناک فعالیت‌های بشر با سیستم آب‌وهوایی جلوگیری کند (مشهدی، ۱۳۸۸: ۳۹۳ و ۳۹۵).

### ۳-۳. نشست ریو<sup>۲</sup>

سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۲ میزبان کنفرانس بین‌المللی در ریودوژانیرو برزیل بود که به اجلاس زمین مشهور شد. نتیجه اجلاس زمین از این قرار بود: برای

---

1. United Nations Framework Convention on Climate Change (New York 1992)  
2. Rio Earth Summit (Rio 1992)

کمک به کشورهای در حال توسعه در کاهش خسارات محیط‌زیست آنها برخی کمک‌های مالی فراهم خواهد شد؛ کوشش می‌شود تا سطح تولید گازهای گلخانه‌ای در سال ۲۰۰۰ در همان مقدار سال ۱۹۹۰ باقی بماند و کشورهای در حال توسعه به فناوری‌هایی که آسیب‌های محیط‌زیست را به حداقل برساند، دسترسی بهتری داشته باشند (علیزاده و پیشگاهی‌فر، ۱۳۹۰: ۱۱۱). همواره پرسش‌هایی مطرح می‌شود مبنی بر اینکه آیا توسعه پایدار تنها موقعیتی است که می‌تواند به‌سادگی با رشد اقتصادی برابر انگاشته شود یا اینکه توسعه و رفاه انسانی مجموعه‌ای از ارزش‌های اجتماعی را دربر می‌گیرد که از ارزش‌های اقتصادی فراتر می‌رود؟ چنین پرسش‌هایی اغلب نادیده گرفته شده‌اند. با این وجود، به این پرسش‌ها در کنفرانس‌های ریو+۲۰ پرداخته شد (muoz & najam, 2009: 8).

کنفرانس ریو+۲۰ همانند کنفرانس ریو ۱۹۹۲ از اهمیت زیادی برخوردار است و اغلب کشورها و سازمان‌های بین‌المللی در آن شرکت داشتند. در سند نهایی کنفرانس با عنوان «آینده‌ای که ما می‌خواهیم» بخش‌های چهارگانه موضوعات مربوط به تجدید تعهدات سیاسی، اقتصاد سبز در سیاق توسعه پایدار و حذف فقر، چارچوب نهادین توسعه پایدار و چارچوب عمل و پیگیری لحاظ شده است (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۳: ۱۲۴).

البته نتایج این نشست چندان امیدوارکننده نبود؛ چراکه در مورد موضوعات کلیدی؛ به‌ویژه در مورد اقتصاد سبز، موافقت جامعی شکل نگرفت. از طرفی، تعهدات این کنفرانس بسیاری از کشورها را برای ارتقای یک اقتصاد سبز با چالش مواجه کرد، اما خود کشورها را به‌صورت فردی وا گذاشت تا تصمیم بگیرند چگونه اصول اقتصاد سبز را بپذیرند (House of Commons Environmental Audit Committee, 2013: 3).

### ۳-۴. دستور کار ۲۱

در کنفرانس ریو ۱۹۹۲ علاوه بر اعلامیه ریو، اسناد دیگری هم تصویب شد که برنامه عمل یا دستور کار ۲۱ یکی از این اسناد است. برای تحقیق اهداف مورد نظر در اعلامیه مزبور، دستور کار ۲۱ به‌مثابه آیین اجرایی تلقی می‌شود که

شیوه‌های اجرای مفاد مندرج در اعلامیه ریو را بیان می‌کند. این دستور کار از این جهت ۲۱ خوانده می‌شود که به‌منزله شیوه‌نامه‌ای برای تحقق توسعه پایدار برای هزاره سوم است. دستور کار ۲۱ سندی مفصل و مشتمل بر ۴۰ فصل است. طی فصول مختلف این سند، ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی، حفاظت و مدیریت منابع، تقویت نقش گروه‌های عمده و وسایل و ابزار اجرایی مورد توجه قرار گرفته‌اند (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۲: ۴۲۷). اعلامیه ریو و دستور کار ۲۱ بیش از دیگر اسناد، متضمن عناصری است که سبب تقویت مردم‌سالاری مشارکتی و تحکیم نقش گروه‌های عمده اجتماعی در تحقق اهداف، سیاست‌ها و راه‌کارهای اجرایی در مورد محیط‌زیست می‌شود. تحقق اصل مشارکت هم مستلزم مؤلفه‌های این اصل یعنی حق دسترسی به اطلاعات محیط‌زیست، مشارکت عموم در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و دسترسی و توسل به مراجع اداری و قضایی در حوزه محیط‌زیست است (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۸۹: ۸۹).

### ۳-۵. کنوانسیون سازمان ملل متحد برای بیابان‌زدایی در کشورهای که

#### به‌طور جدی با خشکسالی مواجه هستند (پاریس ۱۹۹۴)

با شناسایی اعتبار و ارتباط تصمیمات متخذه در کنفرانس سازمان ملل برای توسعه و محیط‌زیست، به‌خصوص دستور کار ۲۱ که پایه‌ای را برای مبارزه با بیابان‌زدایی فراهم می‌کند و با تأکید مجدد بر تعهدات کشورهای توسعه یافته مطابق دستور کار ۲۱ با عزم راسخ به اتخاذ اقدامات لازم برای بیابان‌زدایی و کاهش اثرات خشک‌سالی به سود نسل حاضر و آینده رای تدوین این کنوانسیون توافق کردند. بر اساس ماده ۳۹، دبیر کل سازمان ملل متحد امین این کنوانسیون خواهد بود و هیچ‌گونه حق شرطی در این کنوانسیون مجاز نیست (مشهدی، ۱۳۸۸: ۵۳۴ و ۵۳۸).

### ۳-۶. کنوانسیون بین‌المللی کنترل سامانه‌های مضر ضدخزه بر روی کشتی‌ها

در سال ۱۹۸۹ میلادی، سازمان جهانی دریانوردی، تأثیرات نامطلوب محیط‌زیستی ترکیبات آلی قلع‌دار را مورد توجه قرار داد. سال ۱۹۹۰ میلادی نیز کمیته حفاظت

از محیط‌زیست دریایی، قطعنامه‌ای تصویب و طی آن توصیه کرد دولت‌ها تدابیری به‌منظور حذف استفاده از رنگ‌های ضدخزه دارای ترکیبات قلع بر روی شناورهایی با بدنه غیرآلومینیومی با طول کمتر از ۲۵ متر بیاندیشند. در نوامبر سال ۱۹۹۹ میلادی، سازمان جهانی دریانوردی طی قطعنامه‌ای از کمیته حفاظت از محیط‌زیست دریایی خواست تا سندی مطمئن برای رسیدگی به مشکلات سیستم‌های ضدخزه بر روی کشتی‌ها تدوین کند. مزایای کنوانسیون بین‌المللی کنترل سیستم‌های مضر ضدخزه شامل مواردی همچون کاهش آلودگی ناشی از ترکیبات قلع به کاررفته در سیستم‌های ضدخزه، حفاظت از محیط‌زیست دریایی و سلامت انسان‌ها در مقابل اثرات نامطلوب سیستم‌های ضدخزه، جلوگیری از تجمع موجودات زنده بر روی بدنه کشتی‌ها، جلوگیری از گسترش موجودات مضر دریایی و عوامل بیماری‌زا و جایگزینی سیستم‌های مضر با سیستم‌های دارای ضرر کمتر یا ترجیحاً بدون ضرر می‌شود (مشهدی، ۱۳۸۸: ۳۸۱ و ۳۸۳).

### ۳-۷. پروتکل ایمنی زیستی (نایروبی ۲۰۰۰)

این پروتکل شامل ۴۰ ماده و سه ضمیمه است که در آن بر میزان خطرات بالقوه و شناخته‌شده مرتبط با موجود زنده تغییر شکل‌یافته، توافق شده است. مطابق با رویکرد احتیاطی مندرج در اصل ۱۵ اعلامیه ریو درخصوص محیط‌زیست و توسعه، هدف این پروتکل کمک و همیاری در جهت تضمین سطح مناسب حفاظت در زمینه انتقال، جابه‌جایی و استفاده ایمن از موجودات زنده تغییر شکل یافته است که حاصل فناوری زیستی جدید هستند و ممکن است با در نظر گرفتن مخاطرات آنها برای سلامت انسان، به‌ویژه نقل و انتقالات برون‌مرزی، اثرات زیان‌آوری بر حفظ و استفاده پایدار از تنوع زیستی داشته باشد. بر اساس ماده ۳۸ هیچ حق شرطی را نمی‌توان برای این پروتکل قائل شد (مشهدی، ۱۳۸۸: ۱۳۰).

### ۳-۸. کنوانسیون بین‌المللی درباره مسئولیت مدنی برای خسارت آلودگی نفت

#### سوخت کشتی (۲۰۰۱)

این کنوانسیون منحصراً در مواردی همچون خسارت آلودگی ایجادشده در دریای

سرزمینی یک دولت عضو یا در منطقه انحصاری اقتصادی یک دولت عضو و اقدامات پیشگیرانه به‌منظور پیشگیری یا تقلیل چنین خسارتی، در هر محلی که انجام شود، اعمال خواهد شد. این کنوانسیون در مورد خسارت آلودگی مذکور در کنوانسیون مسئولیت مدنی اعمال نخواهد شد؛ اعم از این‌که غرامت به‌موجب کنوانسیون مزبور قابل پرداخت باشد یا نباشد. بر این اساس، اگر سانحه‌ای که دو یا چند کشتی در آن دخیل باشند، اتفاق افتد و در نتیجه آن خسارت آلودگی ایجاد شود، مالکان تمامی کشتی‌های مربوط به‌صورت تضامنی مسئول تمام خسارت‌هایی خواهند بود که به‌طور متعارف قابل تفکیک نباشد. هر دولت عضو می‌تواند عضویت خود را در این کنوانسیون در هر زمان پس از تاریخی که در آن، این کنوانسیون برای دولت مزبور لازم‌الاجرا می‌شود، فسخ کند (مشهدی، ۱۳۸۸: ۴۱۱).

**۳-۹. کنوانسیون استکهلم در خصوص آلاینده‌های آلی و پایدار (استکهلم ۲۰۰۱)**  
 کنوانسیون استکهلم یک توافق بین‌المللی قانونی در خصوص آلاینده‌های آلی پایدار (POPs) است. در ۱۹۹۵ شورای حکام برنامه محیط‌زیست سازمان ملل (UNEP) برای عملکرد جهانی راجع به آلاینده‌های آلی پایدار که به‌عنوان مواد شیمیایی پایدار در محیط‌زیست، تجمع‌پذیر در زنجیره غذایی و دارای اثرات مضر بر سلامتی انسان و محیط‌زیست تعریف می‌شوند، فراخوانی را اعلام کرد. در ۱۷ می ۲۰۰۴ با شرکت ۱۵۱ کشور مفاد آن امضا و مورد تأیید و تصویب قرار گرفت. جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۰۱ این کنوانسیون را امضا کرد و در فوریه سال ۲۰۰۶ به آن ملحق شد. مهم‌ترین تعهدات کشورهای این کنوانسیون عبارتند از: ۱- اتخاذ سیاست و انجام اقدامات برای حذف تولید و مصرف ۲- جلوگیری از واردات آلاینده‌های آلی پایدار و صادرات آنها ۳- کاهش و یا حذف تولید ناخواسته این مواد ۴- جایگزینی مواد آلاینده‌های آلی پایدار با مواد دوستدار محیط‌زیست (احمدی آسور و موسی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱).



**۳-۱۰. معاهده بین‌المللی منابع ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی (نوامبر ۲۰۰۱)**

دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در جهت حفاظت و بهره‌برداری اصولی از منابع ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی که در سی‌ویکمین کنفرانس سازمان کشاورزی و خواروبار ملل متحد (فائو) در سال ۲۰۰۱، معاهده بین‌المللی ذخایر ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی مورد تصمیم کشورهای شرکت‌کننده در این کنفرانس بین‌المللی بوده است و آنچه در این معاهده بین‌المللی مقرر گردید. این معاهده نمایانگر تلاش و دغدغه‌های جامعه جهانی در خصوص حفاظت، اکتشافات، جمع‌آوری، شناسایی، ارزیابی و ثبت منابع ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی در نیل به اهداف اعلامیه رم در مورد امنیت جهانی غذایی و برنامه اقدام اجلاس جهانی غذا برای دستیابی به توسعه پایدار کشاورزی است. با توجه به رشد جمعیت امروزه نیاز بیشتر بشر به مواد غذایی بیشتر شده که این عامل خود موجب گسترش تولیدات کشاورزی، تأثیرات سوء بر منابع تولید غذایی، فرسایش ژنتیکی گیاهی و انقراض گونه‌های گیاهی می‌شود. این فرایندها تعادل محیط‌زیست و بومی را به تدریج بر هم می‌زند و پیامدهای خطرناکی را برای جامعه جهانی در پی دارد (مشهدی، ۱۳۸۸: ۱۸۲-۱۸۶).

**۳-۱۱. کنوانسیون روتردام در مورد آیین اعلام رضایت قبلی برای برخی مواد شیمیایی و سموم دفع آفات خطرناک در تجارت بین‌المللی (روت‌ردام ۲۰۰۳)**

هدف این کنوانسیون ارتقای مسئولیت مشترک و تلاش‌های مبتنی بر همکاری بین اعضا در تجارت بین‌المللی برخی مواد شیمیایی خطرناک به منظور حفظ سلامت انسان و محیط‌زیست از آسیب‌های بالقوه و مساعدت در جهت استفاده سازگار با محیط‌زیست آنها است. این امر از طریق تبادل اطلاعات در خصوص ویژگی‌های مواد شیمیایی با پیش‌بینی فرایند تصمیم‌گیری ملی در رابطه با واردات و صادرات آنها و اعلام این تصمیمات به اعضا انجام می‌شود. این کنوانسیون شامل ۳۰ ماده و ۵ ضمیمه است. دبیر کل سازمان ملل متحد، امین کنوانسیون بوده و هیچ‌گونه حق شرطی در مورد این کنوانسیون قابل شناسایی نیست (مشهدی، ۱۳۸۸: ۵۸۴-۵۷۳).

**۳-۱۲. کنوانسیون چارچوب حفاظت از محیط‌زیست دریای خزر (تهران ۲۰۰۳)**

با نظر به تخریب محیط زیست دریای خزر در اثر آلودگی‌های ناشی از منابع مختلف فعالیت انسانی از جمله تخلیه، انتشار و دفع مواد مضر و خطرناک اهمیت حفاظت از محیط زیست دریایی ضروری می‌نماید. در این راستا کنوانسیون چارچوب حفاظت از محیط‌زیست دریای خزر به منظور حفاظت از محیط زیست دریای خزر از کلیه منابع آلوده کننده از جمله حفاظت و نگهداری، احیاء و استفاده منطقی و پایدار از منابع بیولوژیکی دریای خزر مطرح شد.

طرف‌های متعهد (جمهوری آذربایجان، جمهوری اسلامی ایران، جمهوری قزاقستان، فدراسیون روسیه و ترکمنستان) با آگاهی از تخریب محیط‌زیست دریای خزر در اثر آلودگی ناشی از منابع مختلف فعالیت‌های انسانی از جمله تخلیه مواد مضر، خطرناک، مواد زائد و سایر آلودگی‌های ناشی از منابع دریایی و منابع مستقر در خشکی، با تصمیم راسخ در حفظ منابع زنده دریای خزر برای نسل‌های حاضر و آینده، با آگاهی به ضرورت تضمین عدم مضر بودن فعالیت‌های مستقر در خشکی برای محیط‌زیست دریای خزر، با توجه به خطرات ناشی از نوسانات سطح آب که محیط‌زیست دریای خزر و خصوصیات اکولوژیکی و آب‌نگاری منحصر به فرد آن را تهدید می‌کند، با تأکید بر اهمیت حفاظت از محیط‌زیست دریای خزر و با تصدیق اهمیت همکاری میان دولت‌های ساحلی خزر و با سازمان‌های بین‌المللی مربوطه، باهدف حفاظت و نگهداری محیط‌زیست دریایی دریای خزر کنوانسیون تهران را در روز سه‌شنبه ۱۳ آبان ماه سال ۱۳۸۲ امضا کردند (مشهدی، ۱۳۸۸: ۲۶۳-۲۶۵).

**۳-۱۳. کنوانسیون بین‌المللی نایروبی درباره انتقال لاشه کشتی‌ها (نایروبی****۲۰۰۷)**

کنوانسیون نایروبی با آگاهی از اینکه عدم انتقال لاشه کشتی‌ها موجبات مخاطره برای محیط‌زیست و عملیات دریانوردی را فراهم کند، توسط دولت‌های عضو این کنوانسیون برای حصول اطمینان از انتقال فوری و مؤثر لاشه کشتی و پرداخت هزینه‌های مترتب آن مورد توافق قرار گرفته است (مشهدی، ۱۳۸۸: ۳۹۸).

#### ۴. تأثیر تصمیمات حقوقی بین‌المللی بر امنیت محیط‌زیست

دادگاه‌های داخلی در رسیدگی به دعاوی محیط‌زیست مطرح شده در سطح بین‌المللی در برخی موارد حتی در سطح ملی، کارایی چندانی ندارند. بسیاری از مسائل زیست‌محیطی، ماهیتاً فرامرزی بوده و لازم است در نهادهای بین‌المللی در روند رو به رشد جهانی شدن فعالیت‌های معاملاتی بیش‌ازپیش بر محیط‌زیست طبیعی تأثیر منفی دارد. در چنین شرایطی، کنترل فرسایش محیط‌زیست، مسئولیت نهادهای قضایی بین‌المللی است. فعالیت نهادهای قضایی بین‌المللی فعلی بر اساس نظام‌هایی است که اهداف و ارزش‌های آنها الزاماً در جهت حفظ محیط‌زیست نیست. برخی از این نهادها، هنگامی که حفظ محیط‌زیست به‌عنوان یک ارزش اجتماعی مهم در سطح بین‌المللی مطرح نباشد، از مسائل مربوط به محیط‌زیست به‌سادگی می‌گذرند. آیین دادرسی این محاکم، با نیازهای قربانیان محیط‌زیست منطبق نیست. ساختار دیوان‌های بین‌المللی از لحاظ حقوق بین‌الملل نوین است و اغلب از صلاحیت اجباری و سازوکارهای قهری محروم است (آوگرینپولو، ۱۳۸۵: ۲۲۹).

کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۹۳ طرح تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی را تنظیم کرد. تأسیس این دیوان را می‌توان به‌عنوان یکی از اقدامات قابل توجه بین‌المللی در حمایت کیفری غیرآشکار از محیط‌زیست دانست؛ زیرا بر مبنای اساسنامه آن، برای فعالیت‌های مخرب و آلاینده پاسخ کیفری در نظر گرفته شده است (موسوی، ۱۳۸۵: ۴۸).

در اصل ۸ اساسنامه اذعان می‌شود که دیوان نسبت به جنایات جنگی صلاحیت دارد؛ به‌ویژه هنگامی که در قالب یک برنامه یا سیاست عمومی یا در قالب ارتکاب گسترده چنین جرائمی صورت گرفته باشد. در تفسیر این رأی نیز در یکی از تبصره‌های این اصل آمده است که «انجام عمدی حمله‌ای با علم به این که چنین حمله‌ای باعث تلفات جانی یا آسیب به غیرنظامیان یا خسارت به اهداف غیرنظامی یا آسیب گسترده، درازمدت و شدید به محیط زیست خواهد شد و آشکارا نسبت فواید نظامی ملموس و مستقیم مورد انتظار از آن، بیش از

اندازه است» (شیروی، ۱۳۹۲).

دیوان که مورد پشتیبانی سازمان ملل بود و در لاهه مستقر است، از زمان تشکیل در سال ۲۰۰۲ میلادی (۱۳۸۱ شمسی) عمدتاً درباره پرونده‌های نابودسازی جمعی (نسل‌کشی) و جرائم جنگی حکم داده است. دادگاه به دلیل بی‌میلی خود در رسیدگی به جرائم بزرگ محیط زیستی و فرهنگی که اغلب در زمان صلح اتفاق می‌افتد، مورد انتقاد قرار گرفته است. به همین دلیل در یک تغییر آشکار در کانون فعالیت‌های آن، دیوان در ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۶ (۲۵ شهریور ۱۳۹۵) اعلام داشت که جرائمی را که منجر به «تخریب محیط زیست»، «استثمار منابع طبیعی» و «تصرف غیرقانونی» زمین شوند در اولویت قرار می‌دهد. این اعلام در بردارنده ارجاع صریحی به زمین‌خواری نیز بود (ویدال و بوکات، ۲۰۱۶).

صلاحیت دیوان، هرگونه اختلاف محیط زیستی را شامل می‌شود که باعث ورود یا امکان ورود خسارت شدید به محیط زیست در سطح بین‌المللی یا ملی شود و ظرف هیجده ماه از راه دآوری حل و فصل نشود. این دیوان همچنین می‌تواند با صدور دستور موقت، اقدامات پیشگیرانه را اتخاذ و در موارد ضروری بنا به درخواست یا به سبب جایگاه خود، به تحقیق و بازجویی اقدام کند. دیوان همچنین می‌تواند در زمینه دآوری و ارائه نظریه‌های مشورتی درباره مسائل جهانی زیست‌محیطی نیز فعالیت کند. شورای امنیت سازمان ملل متحد مسئول اجرای احکام دیوان است (آوگرینپولو، ۱۳۸۵: ۲۳۰).

اگرچه اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری در باب مسئله محیط زیست به‌طور مبسوط موضع‌گیری نداشته، اما احکام صادره این مرجع بین‌المللی تاکنون منجر به ایجاد رویه و اصول الزام‌آور در حقوق بین‌الملل درباره مسئله محیط زیست شده است. مهم‌ترین اصول برآمده از رویه صدور احکام دیوان بین‌المللی دادگستری در مورد دعاوی و مسائل محیط زیستی صرفاً به تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری درباره قضایای معروف به «سد» که به اختلاف میان اسلواکی و مجارستان پرداخت و همچنین «گابچکوناگیماروش» که به اختلاف میان دولت‌های آرژانتین و اروگوئه رسیدگی شد بازمی‌گردد. مهم‌ترین این اصول

به شرح زیر هستند:

**الف- اصل استفاده غیر زیان بار از سرزمین:** این اصل نخستین بار در اختلاف ایالات متحده و کانادا بر سر کارخانه «تریل اسملتر» شناسایی شد و پا به عرصه حقوق بین الملل محیط زیست نهاد. در نتیجه فعالیت های ناشی از ذوب فلز و استخراج معدن در سال ۱۹۲۷ به بعد، حجم گسترده ای از سولفور در ایالت واشنگتن منتشر شد که به صورت باران های اسیدی بر روی زمین های کشاورزی و محیط انسانی و شهری ایالت آمریکایی اثرات مخرب فراوانی بر جای گذاشت. در همین راه، دیوان داوری پس از رسیدگی های جامع و رجوع به نظام حقوقی ایالات متحده بیان داشته است: «بر طبق اصول حقوق بین الملل و همچنین قواعد ایالات متحده، هیچ دولتی حق نخواهد داشت که از سرزمین خود به نحوی استفاده کند یا اجازه استفاده دهد که موجب ورود خسارت توسط آن کشور به کشوری دیگر شود».

**ب- اصل توسعه پایدار:** دیوان بین المللی دادگستری در اختلافات تأکید کرده است که توسعه پایدار مفهومی مصالحه آمیز میان توسعه اقتصادی و حفاظت از محیط زیست است.

**ج- اصل ضرورت حفاظت از محیط زیست:** بر اساس دیدگاه دیوان درباره قضیه «سد»، ضمن بیان اینکه حکم به ضرورت باید مبتنی بر شرایط بسیار دقیق و متعددی باشد که دولت ذینفع به تنهایی قادر به تشخیص آن نیست، به شدت بر روی نظریات ذهنی متکی بر مفهوم ضرورت تأکید داشته و اجرای معاهدات را از سیطره منافع ملی خارج کرده است. همچنین در دیدگاه دیوان به منظور آنکه اقدام دولتی از منظر اصل ضرورت توجیه پذیر باشد، باید اقدام آن دولت تنها ابزار برای حفاظت از منفعت اساسی دولت مورد نظر (مجارستان) در قبال خطر قریب الوقوع و شدید باشد و همچنین عمل آن دولت، عامل ایجاد آن خطر نباشد و عمل مذکور نباید به طور جدی به منافع دولت دیگر لطمه وارد کند.

**د- اصل پیشگیری:** این اصل نخستین بار به شکل نتیجه ای منطقی تلویحاً از

«اصل استفاده غیرزیان‌بار از سرزمین» در اختلاف معروف ایالات متحده و کانادا حاصل شد. این اصل تکلیف می‌کند دولت‌ها در به کارگرفتن مقررات «باید سعی کنند» که بر مبنای «عمل منصفانه» و به‌درستی در جهت نظم عمومی، فعالیت‌های بخش خصوصی تحت قلمرو نظارت و کنترل وی، روی بخش محیط زیست زیان‌آور نباشد.

**ه- اصل احتیاط:** اصل احتیاط در هر دو اختلاف محیط زیستی ارجاعی به دیوان بین‌المللی دادگستری در ادعاهای طرفین و در حکم نهایی مورد توجه بوده است، ولی هرگز به دلیل ماهیت نامتقن آن مانند اصل پیشگیری مورد وثوق جدی واقع نشده است. برابر نص ماده ۱۵ کنوانسیون ریو، اصل احتیاط بدین‌گونه تعریف شده است: «برای حفاظت از محیط‌زیست، دولت‌ها باید متناسب با امکانات خود تدابیر احتیاطی وسیعی را اعمال نمایند. در صورت خطر ورود صدمات شدید یا غیرقابل جبران نبود دلایل قطعی علمی نباید بهانه‌ای برای تأخیر در اتخاذ تدابیر مؤثر برای پیشگیری از ورود صدمه به محیط‌زیست شود».

**ن- اصل ارزیابی:** این اصل در پرونده موسوم به «کارخانه خمیر کاغذ» اختلاف مرزی و زیست محیطی آرژانتین- اروگوئه، دو کشور مجاور رودخانه اروگوئه که روزبه‌روز رو به وخامت می‌گذارد، مورد توجه اساسی واقع شد. ارزیابی قبلی فعالیت‌های بالقوه خطرناک، تعهدی است که از مفهوم پیشگیری سرچشمه می‌گیرد. از آنجایی که کوتاهی و قصور در تلاش برای جلوگیری از خطرات فرامرزی می‌تواند منجر به مسئولیت بین‌المللی شود، این مسئله نیز قابل بررسی است که انجام صحیح و دقیق یک ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی می‌تواند به عنوان استاندارد برای تعیین میزان توجه و دقت در پیشگیری از خطر عمل کند.

**و- اصل اطلاع‌رسانی (اطلاع‌دهی):** مهم‌ترین خاستگاه توجه به اصل اطلاع‌رسانی در اختلاف آرژانتین و اروگوئه نمایان شد و آن هنگامی بود که طرفین به‌موجب انعقاد اساسنامه‌ای درخصوص حفظ تعادل محیط‌زیستی رودخانه مرزی فی مابین؛ یعنی رودخانه اروگوئه در سال ۱۹۷۵ و متعاقب آن

تشکیل کمیسیون مشترک، متعهد به بهره‌برداری مفید و اطلاع‌رسانی به طرف مقابل شده بودند (موسوی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۸-۱۱).

انجمن بین‌المللی حقوق جزا یکی دیگر از مراجعی است که در نشست‌های گوناگون خود موضوعات مربوط به محیط‌زیست، چگونگی حمایت از آن، پاسخ‌دادن به جرائم علیه محیط‌زیست با استفاده از حقوق کیفری و مانند آن را مورد بررسی قرار داده است و سعی کرده است که خود را با فعالیت‌های بین‌المللی در زمینه حمایت از محیط‌زیست هماهنگ سازد (پورهاشمی و موسوی، ۱۳۹۰: ۸۲).

با وجود ایجاد چنین سازوکارهایی همچنان در زمینه ضرورت حفاظت از محیط‌زیست در حقوق بین‌المللی، کاستی‌های فراوانی مشاهده می‌شود. وجود الزام رو به رشد تقاضای همگانی برای حل بحران محیط‌زیست، پاسخی به این ضعف‌هاست و رویه قضایی اخیر، بیانگر تمایل روزافزون دولت‌ها و دیگر فعالان به استفاده از سازوکارهای بین‌المللی برای حل اختلافات مربوط به منابع طبیعی و زیست‌محیطی است. برای ایجاد دیوانی که منحصراً بتواند به اختلافات محیط‌زیستی رسیدگی کند، چندین پیشنهاد ارائه شده است. دقیق‌ترین و پیشرفته‌ترین پیشنهاد را دیوان بین‌المللی بنیاد محیط‌زیست ارائه کرده است. این بنیاد در گذشته ایده تأسیس این دادگاه را در سطح جهانی ترویج داده است؛ ایده‌ای که هم از سوی جهان سیاست و هم از سوی جامعه دانشگاهی مورد حمایت قرار گرفت.

دیوان بین‌المللی بنیاد محیط‌زیست در سال ۱۹۸۹ به منظور تسریع توسعه دیوان بین‌المللی محیط‌زیست تأسیس شد. این بنیاد هم‌اوردی بین‌المللی را آغاز کرد و مقدمات طرح پیشنهادی مذکور را در کنفرانس سازمان ملل متحد در ریودوژانیرو و برزیل در سال ۱۹۹۲ فراهم ساخت. دیوان بین‌المللی بنیاد محیط‌زیست به عنوان بخشی از این مقدمات، نظر خود را به جوامع اروپایی ارائه کرد و قویاً از این اقدام حمایت شد. این بنیاد خیلی زود حمایت کمیسیون ملل متحد در مورد توسعه پایدار را جلب کرد. بسیاری از دولت‌ها، وزارتخانه‌های دولتی، مقامات محلی، سازمان‌های غیردولتی، شرکت‌های خصوصی و سازمان‌های

بین‌المللی نیز حمایت خود را ابراز کردند (آوگرینپولو، ۱۳۸۵: ۲۲۹).

حل مسائل محیط‌زیست بر اساس اصل مسئولیت مشترک، دو نوع مسئولیت وجود دارد، نخست مسئولیت کشورهای توسعه‌یافته که اغلب بر پایه نقش تاریخی آنها در آلودگی محیط‌زیست است. دوم، مسئولیت کشورهای در حال توسعه که بیشتر با تخریب محیط‌زیست از سوی این کشورها در سال‌های اخیر همراه است (دبیری و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۲۲).

معیارهای مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برای ایراد خسارت بر محیط‌زیست را می‌توان بدین صورت بیان کرد: طبق اصل ۱۸ اعلامیه ریو جامعه بین‌المللی برای حفظ محیط‌زیست تلاش می‌کند دو نوع تکلیف پیشگیرانه و پس از حادثه را که ممکن است به برخی یا همه کشورها مربوط شود، بار نماید. تکالیف پیشگیرانه باید از طریق هماهنگی، همکاری و انجام اقداماتی خاص با حسن نیت کامل انجام پذیرد تا از انجام خطرات وارد بر محیط‌زیست جلوگیری به عمل آید یا خسارات آن را به حداقل برساند یا با وضع قوانین مسئولیتی داخلی، موضوع را از لحاظ تعیین مسئولیت و پرداخت غرامت لازم مشخص کنند تا جبران خسارت، به راحتی انجام پذیرد. دسته دوم، تکالیف پس از بروز حادثه است که علی‌الاصول مسئولیت عینی دولت آلوده‌کننده پذیرفته می‌شود؛ مگر اینکه موارد خاص و استثنایی وجود داشته باشند که به روشنی نتوان کشور آلاینده را مسئول دانست یا اینکه به طریقی بتوان از مسئولیت وی کاست. در همین راستا ضمن اینکه باید به‌قاعده پذیرفته شده در اعلامیه ریو یعنی مسئولیت مشترک ولی متفاوت دولت‌ها توجه نمود، باید این تکلیف جامعه بین‌المللی را خاطر نشان کرد که باید تمام توان خود را برای کمک به دولت‌های فاجعه دیده به کار گیرد (بیانیه؛ اصل ۱۸). بنابراین می‌توان گفت که اعلامیه ریو شاید «مسئولیت عینی» را در جامعه بین‌المللی به‌عنوان اصل، با توجه به ضوابط و تمهیداتی برای پیشگیری و نیز کمک‌های بعد از بروز حادثه به‌عنوان وظیفه دولت‌های دیگر و جامعه بین‌المللی پذیرفته است (پورهاشمی و موسوی، ۱۳۹۰: ۸۷).

بر این اساس می‌توان گفت که «مسئولیت» در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست



بر اساس «مسئولیت نرم» شکل گرفته است، هرچند که متون حقوقی زیادی درباره «مسئولیت سخت» در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست وجود دارد که از آن جمله می‌توان به «مسئولیت بین‌المللی آلودگی فرامرزی» اشاره کرد. با این وجود، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در تلاش است تا نوعی مسئولیت مدنی که مبتنی بر «جبران خسارت» است را به رسمیت بشناسد. این نوع مسئولیت به‌عنوان یک مسئولیت ناشی از «خطا» شناخته می‌شود، نه مسئولیت ناشی از «فعل یا ترک فعل» که عنصر «جرم» معرف آن است (پورهاشمی، ۱۳۸۴: ۱۶).

در این میان وضع استانداردهای متفاوت برای کشورهای درحال توسعه را نباید از نظر دور داشت. این مسئله به معنای به‌کارگیری استانداردهای متناسب با پیشرفت‌ها و توانایی‌های کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه برای حفاظت از محیط‌زیست است. این استانداردها ممکن است ملی یا بین‌المللی باشند. ماهیت استانداردهای متفاوت در دو قسمت حقوق و تعهدات ماهوی متفاوت و تفاوت در زمان اجرای قواعد ماهوی قابل‌طبقه‌بندی است. قسم نخست در بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی به کار گرفته شده است به عنوان مثال کنوانسیون ساختاری سازمان ملل متحد درخصوص تغییرات آب‌وهوایی که طرف‌های معاهده را به سه دسته تقسیم می‌کند: تعهدات کلیه اعضا، تعهدات دولت‌های توسعه‌یافته و دیگر دولت‌ها مندرج در ضمیمه یکم، تعهدات دولت‌های توسعه‌یافته و دیگر دولت‌های مندرج در ضمیمه دوم. تعهدات متفاوت اغلب به دو روش پیش‌بینی شده‌اند؛ یکم، وضع استانداردهای متفاوت برای پیش‌بینی تعهدات ترجیحی و اعطای زمان بیشتر به دولت‌های درحال توسعه برای ایفای تعهداتشان، دوم ارائه کمک‌های مالی و فنی در راستای انجام تعهدات محیط‌زیست کشورهای درحال توسعه برای تضمین مشارکت فعال آنها در انجام این تعهدات (عبدالهی و معرفی، ۱۳۸۸: ۲۰۷).

یکی دیگر از راه‌های کمک به انجام کنوانسیون‌های محیط‌زیست، فرایندهای عدم انجام است که برای نخستین بار در پروتکل مونترال با اصلاح در سال ۱۹۹۲ به کار گرفته شد (ماده ۸). این فرآیند به‌ظاهر به شکل مساوی برای همه طرف‌ها

به کار گرفته می‌شود اما با نگاهی دقیق‌تر روشن می‌شود که مخاطب آن کشورهای در حال توسعه می‌باشند. طبق این فرایند، در صورتی که کمیته اجرایی پروتکل به این نتیجه برسد که دولت عضوی با وجود تلاش زیاد از اجرای کامل تعهداتش ناتوان است، گزارشی از عدم امکان انجام تعهدات توسط عضو مذکور را به همراه دلایل و اوضاع و احوال خاص منتهی به عدم اجرا به دبیرخانه کنوانسیون ارائه می‌کند. اجلاس دولت‌های عضو بعد از دریافت گزارش، می‌تواند تصمیم به اتخاذ اقداماتی برای فراهم کردن اجرای کامل پروتکل بگیرد (عبدلهی و معرفی، ۱۳۸۹: ۲۰۹).

به‌طور کلی باید گفت با وجود توسعه چشمگیر حقوق بین‌الملل در زمینه حمایت و حفاظت از محیط‌زیست به‌ویژه در دهه‌های اخیر، هنوز هم جبران خسارات محیط‌زیست از خلأهای عمده پیش روی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست است. امروزه اسناد بی‌شماری در حوزه بین‌الملل به تصویب رسیده است، اما اغلب آنها از یک سو محدود به موضوعی خاص (به‌طور عمده در ارتباط با فعالیت‌های هسته‌ای، آلودگی‌های نفتی، محیط‌زیست دریا، انتقال زباله‌ها و مواد خطرناک) هستند و از سوی دیگر، بسیاری از مفاهیم مبنایی و مؤثر در روند جبران خسارات محیط‌زیست همانند استانداردهای حداقلی، خسارات محیط‌زیست و مسئولیت محیط‌زیست را به‌صورت مبهم و نامعلوم بیان داشته‌اند (موسوی و قیاسیان، ۱۳۸۹: ۳۴۳).

### نتیجه‌گیری

جهان امروز در مسائل محیط‌زیست نیاز به همگرایی واقعی دارد. مرزهای سیاسی امروزه نمی‌تواند مانع از ورود و تهاجم بحران‌های محیط‌زیست از یک سرزمین به سرزمین دیگر شود. ایجاد امنیت محیط‌زیست صرفاً با تشریک مساعی همه کشورهای یک منطقه جغرافیایی و در ابعاد بزرگ‌تر همه کشورهای جهان همراه خواهد بود. قطعاً آلودگی محیط‌زیست و بحران ناشی از آنکه در ابتدا در کشورهای کمتر توسعه‌یافته به دلیل نداشتن قوانین مدون محیط‌زیست می‌تواند امنیت ملی این کشورها را به چالش بکشاند در آینده مانند موجی به کشورهای

توسعه یافته خواهد رسید. به‌طور کلی کشورهای جهان با چالش‌های محیط‌زیست روبه‌رو هستند. با این‌وجود این مسئله از منطقه‌ای به منطقه دیگر و در کشورهای مختلف متفاوت است و تهدیدهایی برای کیفیت محیط‌زیست به وجود آمده است. به مخاطره افتادن سرمایه‌های اکولوژیک و نظم اکوسیستم جهانی در اثر گسترش و تراکم بی‌سابقه و بی‌رویه کانون‌های جمعیتی و فعالیت‌های انسانی نظیر آلودگی‌های محیط‌زیست؛ تحلیل رفتن منابع حیاتی کره زمین، تغییرات اقلیمی و تخریب لایه اوزون، موجب اهمیت سیاست‌های اکولوژیکی و سیاست‌گذاری محیطی شده است. بعد از جنگ سرد مفهوم امنیت تغییر کرد و امنیت محیط‌زیست نیز برجسته شد و آینده بشر و توسعه پایدار بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفت. در دوران جنگ سرد، مهم‌ترین دغدغه کشورها امنیت در برابر تهدیدات خارجی و سلاح‌های کشتار جمعی بوده و امنیت ملی بیشتر در حوزه نظامی و سیاسی مورد توجه بوده است. مفهوم امنیت همواره در حال تحول است و می‌توان گفت که سطوح مختلف امنیت به‌هم پیوند خورده است. در این راستا قراردادهای بین‌المللی و نشست‌های جهانی همچون ریو + ۲۰ صورت گرفت. هرچند بسیاری از اندیشمندان معتقدند که نباید مفهوم امنیت محیط‌زیست و امنیت ملی در زیر یک عنوان یعنی تهدید قرار داد.

تغییرات پارادایمیک در حوزه روابط بین‌الملل نشان می‌دهد که توسعه مفهوم امنیت به‌نحوی که تهدیدات و خطرات محیط‌زیست را در برگیرد، به‌ظهور رویکردی بسیار فراگیر انجامیده است. تعیین هرگونه روند امنیت‌ساز بر اساس نشانه‌های تهدید شکل می‌گیرد. اگر نیروها و یا عناصر تهدیدکننده تغییر یابد، در آن شرایط روندهای جدیدی برای مقابله با تهدید ایجاد می‌شود. نخستین نشانه تهدید امنیت محیط‌زیست را می‌توان در محدودیت‌های استفاده از منابع دانست. در حال حاضر، در سطح جهان تغییراتی در ترکیب شیمیایی جو، تنوع ژنتیک گونه‌های ساکن در کره زمین و چرخه مواد شیمیایی حیاتی در اقیانوس‌ها، جو، زیست‌کره در حال وقوع است که هم از نظر ابعاد و هم از نظر آهنگ، سابقه‌ای برای آن نمی‌توان یافت. تهدیدات ناشی از تولید فزاینده و توسعه سریع و همچنین

منابع تجدیدناپذیر و منازعات منطقه‌ای از جمله تهدیدات اصلی در این زمینه به شمار می‌روند. بحران هویت اجتماعی ناشی از پناهندگی، مهاجرت و حاشیه‌نشینی که دلیل عمده آن را در دهه‌های اخیر می‌توان تخریب محیط‌زیست دانست موج جدیدی از نگرانی‌های دستیابی به امنیت پایدار جهانی را ایجاد کرده است. به‌طورکلی می‌توان گفت که بعد از جنگ سرد اراده بین‌المللی بر این اساس قرار داشته است که «تهدید مشترک جدید» را برجسته کرده و زمینه‌های همکاری متقابل را جهت نیل به ایجاد امنیت محیط‌زیست فراگیر با مفهوم جدیدش فراهم سازند.



## منابع

- احمدی آسور، اکبر و شهربانو موسوی زاده (۱۳۸۷). *کنوانسیون استکهلم و آلاینده‌های آلی پایدار*، تهران: اولین کنفرانس بین‌المللی جایگاه ایمنی، بهداشت و محیط زیست در سازمان‌ها.
- امامی میبدی، علی (۱۳۸۱)، «سیر تاریخی اقدامات بین‌المللی محیط‌زیست جهت کاهش آلاینده‌های جو»، *اقتصاد انرژی*، شماره ۳۵ و ۳۶.
- اوگرینوپولو، دیونیسیا تدورا (۱۳۸۵)، نقش نظام قضایی بین‌المللی در حل و فصل اختلافات محیط‌زیست، ترجمه حسین یزدانی، *الهیات و حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، شماره ۱۹.
- پارسا، علیرضا (۱۳۷۸)، «حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و تجارت آزاد: تضاد یا تکامل»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۱۵۰-۱۴۹.
- پورهاشمی، سیدعباس (۱۳۸۴)، توسعه نوین در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست با تأکید بر کنوانسیون حقوق بهره‌برداری از آبراه‌های بین‌المللی برای مقاصد غیرکشتریانی، ۱۹۹۷.
- پورهاشمی، سیدعباس و مریم‌السادات موسوی (۱۳۹۰)، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در حقوق محیط‌زیست، *دانشنامه حقوق و سیاست*، شماره ۱۵.
- تهامی، سیدمجتبی (۱۳۸۴)، «امنیت ملی: دکترین، سیاست‌های دفاعی و امنیتی»، تهران: انتشارات نیروی انتظامی.
- دبیر، فرهاد، سیدعباس پورهاشمی، فخرالضحی روستا (۱۳۸۸)، «بررسی اصول و مفاهیم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست با نگاهی به توسعه پایدار»، *علوم و تکنولوژی محیط‌زیست*، دوره یازدهم، شماره ۳.
- ذوقی بارانی، کاظم و محمد عین‌شاهی میرزا (۱۳۹۴)، راهبردهای بهبود چالش‌های امنیت زیست محیطی، *آفاق امنیت*، سال هشتم، شماره ۲۷.
- رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۸۹)، «بررسی محتوای اصل مشارکت در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، *پژوهش حقوق*، سال دوازدهم، شماره ۲۹.
- رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۲)، «از ریو تا ریو: در تکاپوی توسعه پایدار»، *تحقیقات حقوقی*، دوره شانزدهم، شماره ۲.

رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۳)، «اقتصاد سبز: گامی به سوی تحقق توسعه پایدار در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، *دانشنامه حقوق اقتصادی*، سال بیست‌ویکم، شماره ۶.

شیرویی، ستار (۱۳۹۲)، «متن کامل اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، *بانک مقالات حقوقی نشر عدالت*، قابل دسترس در: <http://www.nashreedalat.ir/maghalat-hoghoghe/-/339>

عبداللهی، محسن و سعیده معرفی (۱۳۸۹)، «اصل مسئولیت مشترک اما متفاوت در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، *پژوهش حقوق عمومی*، سال دوازدهم، شماره ۲۹.

علیزاده، عمران و زهرا پیشگاهی‌فر (۱۳۹۰)، «امنیت زیست محیطی و تحول مفهوم امنیت در قرن ۲۱»، *چشم‌انداز جغرافیایی*، سال ششم، شماره ۱۴.  
 کاویانی‌راد، مراد (۱۳۹۰)، «امنیت زیست محیطی از منظر ژئوپلیتیک»، *تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، دوره یازدهم، شماره ۲۳.

کاویانی‌راد، مراد (۱۳۹۰)، «پردازش مفهوم امنیت محیط‌زیست»، *ژئوپلیتیک*، سال هفتم، شماره ۲۳.

مشهدی، علی (۱۳۸۸)، *مجموعه اسناد و متون بنیادین حقوق بین‌الملل محیط‌زیست*، جلد اول، قم: دانشکده حقوق دانشگاه قم.

موسوی، سیدفضل‌الله و سیدحسین حسینی و سیدحسین موسوی‌فر (پاییز ۱۳۹۴)، «اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در پرتو آرای مراجع حقوقی بین‌المللی»، *حقوق عمومی*، دوره هفدهم، شماره ۴۸.

موسوی، سیدفضل‌الله (۱۳۸۵)، *حقوق بین‌الملل محیط‌زیست*، تهران: میزان.

موسوی، سیدفضل‌الله و سیدحسین حسینی و سیدحسین موسوی‌فر (۱۳۹۴)، «اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در پرتو آرای مراجع حقوقی بین‌المللی»، *پژوهش حقوق عمومی*، سال هفدهم، شماره ۴۸.

موسوی، سیدفضل‌الله و فهیمه قیاسیان (۱۳۹۰)، «جبران خسارات زیست محیطی در حقوق بین‌الملل»، *مطالعات حقوق خصوصی*، دوره چهل‌ویکم، شماره ۱.  
 هورسمن، استوارت (۱۳۸۰)، «امنیت زیست محیطی در آسیای مرکزی»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۳۴.

Dabelko, G. D., & Dabelko, D. D. (1995), "Environmental security: Issues of conflict and redefinition", *Environmental change and security project report*, Vol.1, No.1: 3-13.

Dalby, S. (2002), "Security and Ecology in the Age of Globalization", *Environmental Change and Security Project Report*, Vol.8, No.101: 4.

Ghosh, N. And Khan, S. E. (2012), *Situation Analysis on Environmental Security, Ecosystems for Life: A Bangladesh-India Initiative*,

- International Union For Conservation Of Natural Resources (IUCN).  
House of Commons Environmental Audit Committee. (2013), *Outcomes Of The Un Rio+20 Earth Summit*, Volume I: Report, together with formal minutes, oral and written evidence, The Transatlantic Relationship And The Future Global Governance
- Krummenacher, H. (2008), Environmental factors as triggers for violent conflict: empirical evidence from the 'FAST' data base, *Bern: Swisspeace*.
- Le Gloanec, A. M., Irondele, B., & Cadier, D. (2013), New and Evolving Trends in International Security, *Transworld, FP7 Working Paper*, 14.
- Leggett, J. A., & Carter, N. T. (2012, June), *Rio+ 20: The United Nations Conference on Sustainable Development*, Library of Congress, Congressional Research Service.
- Lietzmann, K. M., & Vest, G. D. (1999), Environment and security in an international context. Executive summary report. *WW ENVIRONMENTAL CHANGE AND SECURITY PROJECT REPORT*, Issue 5: 34-48.
- Mckibbin ,Warwick & Wilcoxon, Peter (2007), *Energy And Environmental Security*, Brookings Global Experts, Oral And Written Evidence
- Muoz ,Miquel And Najam ,Adil .(2009), *Rio + 20: Another World Summit?*, Sustainable Development Insight, Boston University
- Skarlato, Olga & Telesh, Irena (2008), *Environmental Security And Policymaking: Concepts And Practices In North America And Europe*, Mauro Centre For Peace And Justice; St. Paul's College; University Of Manitoba.
- Sousa, Beatriz S. A . (2012), *Environmental Security Ecological Footprint Towards A Greener Future*, Master'S Thesis, Aalborg University.
- Swatuk, L. A. (2004), Environmental security in practice: Transboundary natural resources management in Southern Africa, *presentation in Section*, 31.
- Tabačková, K. (2013), *Securitization of Environmental issues* (Doctoral dissertation, Masarykova univerzita, Fakulta sociálních studií).